

بابا رکن الدین

سید مهدی سجادی نائینی *

قدیمی ترین سنگ تمبر تاریخ دار موجود در این محل به مزار این مرد بزرگ تعلق دارد.

اگرچه بابا رکن الدین از رجال برجسته و ممتازی است که در زمان حیات و پس از مرگ، مورد احترام و تعظیم و تکریم همگان بوده، اما کمتر شرح حال جامعی درباره او به رشته تحریر درآمده است. از جمله کسانی که درباره وی مطالبی نوشته اند. عبدالله افندی^۱ مؤلف کتاب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء است. از مطالعه این کتاب ارزنده

مسعود بن عبدالله بیضاوی معروف به بابا رکن الدین از بزرگان مشایخ عرفا و علمای قرن هشتم هجری است که در زمان سلطنت ابوسعید پادشاه مغول در اصفهان می زیسته است. این مرد بزرگ در روز یکشنبه ۲۶ ربیع الاول سال ۷۶۹ هجری قمری وفات یافت و در ساحل جنوبی زاینده رود مدفون گردید. در آن روزگار مزار بابا رکن الدین در کنار جاده شیراز واقع شده بود.

بابا رکن الدین در طول زندگی با نهایت احترام می زیسته و پیوسته معزز و محترم بوده است. این عزت و احترام پس از درگذشت وی نیز برقرار بود، به طوری که از عهد صفویه به بعد، عده بسیاری از مشاهیر علما و فقها و شعرا و خوشنویسانی که در اصفهان و سایر شهرهای ایران درگذشتند در مجاورت او به خاک سپرده شدند.

از آن زمان این محل به تدریج به گورستانی بزرگ تبدیل شد و به نام قبرستان بابا رکن الدین نامیده شد. در عصر صفویه پل خواجو هم به همین نام نامبردار بوده است. شاردن، سیاح فرانسوی در کتابش این نکته را ذکر کرده است. مطالعات انجام شده در مزارستان تخت فولاد مشخص کرده:

* - کارشناس سازمان میراث فرهنگی اصفهان.

۱- میرزا عبدالله ملقب به افندی، فرزند عیسی بن محمد صالح جیرانی تبریزی اصفهانی از علمای معروف اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ هجری است که مدت مدیدی از عمرش را در اصفهان گذرانده است. این دانشمند بزرگ از نظر اطلاع بر احوال علما و دانشمندان اسلام کم نظیر و در عصر خود بی نظیر بود. کتاب معروف او «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء» در ۱۰ مجلد است. تألیف این مجموعه عظیم از سال ۱۱۰۷ تا ۱۱۳۰ که سال فوت او است به طول انجامیده است. افندی تألیفات دیگری نیز دارد که «الاجازات»، «بساتین الخطباء»، «روضه الشهداء» به زبانهای فارسی، عربی، ترکی «شرح مبسوط بر الفیه ابن مالک» از آن جمله هستند.

سید محمد باقر کتابی، «رجال اصفهان»، ج ۱، ص ۶۷-۶۳.

چنین استنباط می‌گردد که بابا رکن‌الدین شرحی بر کتاب *فصوص‌الحکم* تألیف ابن‌العربی نوشته است.^۲

عبدالله افندی با استناد به این شرح، بابا رکن‌الدین را شاگرد شیخ کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی^۳ و شیخ داوود بن محمود قیصری^۴ می‌داند. بابا رکن‌الدین این شرح را به تشویق نعمان خوارزمی نوشت و در حل مشکلات و رموز و دقایق کتاب *فصوص‌الحکم* از محضر وی استفاده شایان برد. او این شرح را در مدت ۴ سال یعنی از سال ۷۳۹ تا ۷۴۳ هجری قمری نوشت.

از خصوصیات این شرح، که به زبان فارسی است اینکه با بیانی ساده و قابل فهم برای همگان نگاشته شده است. شرح *فصوص‌الحکم* بابا رکن‌الدین به نام *نصوص‌الحکم فی شرح الفصوص* در سال ۷۴۶ هجری قمری با خط ابوالحسن علی‌بن محمد شیرازی کتابت شده است.

مؤلف کتاب *ریاض‌العلماء* درباره این شرح می‌نویسد: «... بابا رکن‌الدین در بیان مطالب به امور عجیب و مذاهب غریب پرداخته است...»

حاجی خلیفه صاحب کتاب *کشف‌الظنون* نام این شرح را *نصوص‌الفصوص* نوشته است. به نوشته حاجی خلیفه بابا رکن‌الدین این شرح را در شهر «سرای» تدوین کرده است. وی می‌نویسد: «... از شروح *فصوص‌الحکم* یکی نیز شرح فارسی مبسوطی است به نام *نصوص‌الفصوص* تألیف شیخ رکن‌الدین شیرازی و هر نکته که در [کتاب] شیخ کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی و شرح داوود قیصری و شرح شارح اول مسطور بوده، مولانا رکن‌الدین آن نکات را در این کتاب آورده و حل متن به طریق نزدیک که همه کس آن را فهم تواند کرده...»^۵

مرحوم عباس اقبال آشتیانی از این شرح اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و به نقل از شیخ آذری صاحب کتاب *جوهر الاسرار* به رساله‌ای به نام *قلندریه* اشاره می‌کند که بابا رکن‌الدین در شرح رباعی زیر تدوین کرده است:

اصلم ز قلندر است و فرعم ز عدم
وز ننگ مرا درنپذیرد عالم
دیده چو نظر کند به صحرای عدم

جان در صف عشق بود پیش از آدم^۶
مرحوم میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب *تاریخ اصفهان* بابا رکن‌الدین را انصاری می‌نامد. مرحوم انصاری وی را از نژاد جابریانی می‌داند که در دوره حکومت اتابک سعد، پس از قتل عمیدالدین اسعد جابری انصاری وزیر با کفایت اتابک، به اصفهان نقل مکان کرده‌اند.^۷ انصاری این نکته را نیز اضافه می‌کند که بیشتر عرفایی که از نژاد جابر در شهرها پراکنده شدند به «بابا» ملقب بوده‌اند.^۸

اگرچه بابا رکن‌الدین از اجلّه عرفا و بزرگان صوفیه است، اما همان‌طور که اشاره شد متابع و مآخذ چندانی در شرح حال او موجود نیست. به همین علت است که در عصر صوفیه، یعنی در روزگاری که علمای دین و عرفا مورد احترام و

۲- محیی‌الدین محمد بن علی الحاتمی الطائی معروف به «ابن‌العربی» و «شیخ‌الاکبر» از اندیشمندان و فلاسفه بزرگ اسلامی است که در «آندلس» به دنیا آمد و در سال ۶۳۸ هجری قمری در دمشق درگذشت. «ابن‌العربی» آثار متعددی دارد که از همه معروف‌تر «*الفتوحات‌المکیه فی معرفة الاسرار المالکیه و الملکیه*»، «*فصوص‌الحکم*»، «*ترجمان‌الاشراق*» و «*جامع‌الاحکام*» می‌باشند. المنجد، چاپ بیروت، ص ۱۲.

۳- شیخ عبدالرزاق کاشی دانشمند مشهور قرن هشتم هجری است که به سال ۷۳۶ هجری درگذشته است. کتابهای «*تأویل الایات*» و «*شرح منازل‌الساثرین*». از آثار اوست.

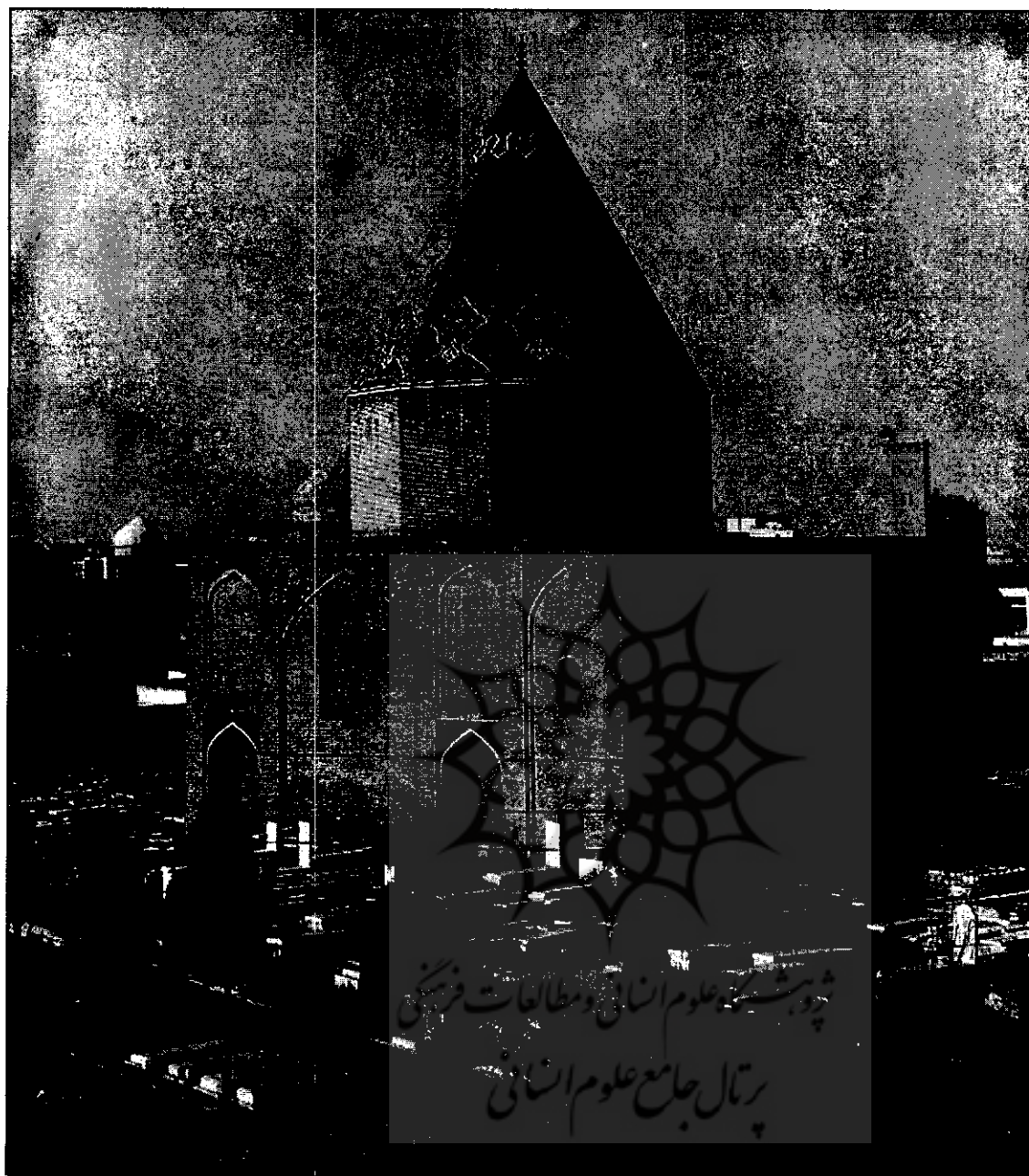
۴- شیخ داوود بن محمود قیصری متوفاً به سال ۷۵۱ است. قیصری نیز شرح مفصلی بر «*فصوص‌الحکم*» نوشته است.

۵- دکتر لطف‌الله هنزفر، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، کتابفروشی ثقفی، اصفهان، ۱۳۴۴، ص ۴۹۷.

۶- عباس اقبال آشتیانی، *بابا رکن‌الدین و قبر او*، مجله یادگار، سال دوم، شماره دوم، ص ۴۲ تا ۴۶.

۷- عمیدالدین اسعد افزری جابری، وزیر اتابک سعد بن زنگی که به سال ۶۲۴ هـ ق کشته شد. قصیده حبسیه او معروف است.

۸- حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، *تاریخ اصفهان*، تصحیح جمشید مظاهری، انتشارات مشعل، ص ۱۸۰.



ارشادات او کسب فیض می نموده‌اند. این عارف نیکونهاد در عرفان و سیر و سلوک، همانند استاد و مرشدش کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی با سلسله معروف سهروردیه پیوند داشت.^۹

۹- این فرقه منسوب به شیخ شهاب‌الدین عمرین محمد شافعی سهروردی صاحب کتاب *عوارف المعارف* و متوفا به سال ۶۳۲ هجری قمری است.

تکریم قرار گرفتند و بیشترین توجه به آنها معطوف بود، در باب مشرب بابا رکن‌الدین بین فضیلتی آن عصر اختلافاتی وجود داشت، اما آنچه مسلم است اینکه شیخ‌بهای و دیگر علمای عصر صفویه، به جلالت مقام او اذعان کرده و وی را شیعه‌ای معتقد و مخلص نامیده‌اند. بابا رکن‌الدین از عرفای بزرگی است که در تمام اوقات، جمعی کثیر از معتقدان صمیمی و پاکدل در محضر او تلمذ می‌کرده‌اند و از

در باب مشرب بابا رکن‌الدین بین فضلی آن عصر اختلافاتی وجود دارد، اما آنچه مسلم است اینکه شیخ‌بھائی و دیگر علمای عصر صفویه، به جلالت مقام او اذعان کرده و وی را شیعه‌ای معتقد و مخلص نامیده‌اند. بابا رکن‌الدین از عرفای بزرگی است که در تمام اوقات، جمعی کثیر از معتقدان صمیمی و پاکدل در محضر او تلمذ می‌کرده‌اند و از ارشادات او کسب فیض می‌نموده‌اند. این عارف نیکو نهاد در عرفان و سیر و سلوک، همانند استاد و مرشدش کمال‌الدین عبدالرزاق کاشی با سلسله معروف سهروردیه پیوند داشت.

می‌نویسد: «... در این مکالمه شیخ از مرگ خود اطلاع یافته و به همین جهت بوده که چند روز آخر را به توبه و انابت مشغول بوده است...»^{۱۰} در عصر قاجار نیز بابا رکن‌الدین مریدان و معتقدان بسیاری داشت. از جمله علما و عرفای ممتاز این عصر که از معتقدان بابا رکن‌الدین به حساب می‌آید، مرحوم «ملاحسن نائینی» متوفا به سال ۱۲۷۰ هجری است که از بزرگان و دانشمندان و اقطاب زمان خود بوده و در عرفان و تصوف مسلک «اوسی» داشته است. ارادت مرحوم نائینی به بابا رکن‌الدین، به حدی بود که وصیت کرد تا پس از مرگ در ایوان کاشیکاری بیرون بقعه بابا رکن‌الدین دفن شود. سنگ لوح ممتازی که به خط نستعلیق بسیار خوش بر مزار مرحوم نائینی نصب است، ماده تاریخ فوت او را بیان می‌کند. سراسنده این ماده تاریخ «سیمما» است که او نیز از فضلا و عرفای اوسی مسلک آن عهد بوده و به ملاحسن نائینی ارادت می‌ورزیده است.

مرحوم همائی اصطلاح «بابا» که با نام این زاهد بزرگ و مشهور همراه شده است، نظیر کلمات و اصطلاحاتی همچون «پیر»، «شیخ»، «استاد» و امثال آن می‌داند که از عناوین مصطلح عرفا و زهاد و مشایخ و اقطاب قدیم بوده است. مرحوم همائی در

صفای باطن و تقوا و اعتقاد بابا رکن‌الدین سبب شده بود پیوسته از طایفه زهاد و اهل تصوف در بقعه او به عبادت مشغول شوند و در جوار او معتکف گردند و به ریاضت پردازند. یکی از مریدان صدیق و پاک‌نهاد بابا رکن‌الدین، شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی، معروف به شیخ‌بھائی، دانشمند عصر صفویه است. شیخ دایماً به زیارت قبر او می‌رفته و از باطن وی مدد می‌جسته است.

شرح یکی از این زیارت‌ها، که بیانگر کرامت بابا رکن‌الدین نیز می‌باشد واقعه‌ای است که در چند کتاب از جمله کتاب *قصص العلماء* به آن اشاره شده است. خلاصه این واقعه بدین صورت است که شیخ در اواخر عمر، روزی با جمعی از اصحاب به زیارت اهل قبور رفت و چون بر سر مزار بابا رکن‌الدین رسید، با صاحب قبر شروع به مکالمه نمود. اصحاب شیخ صدایی می‌شنیدند، اما نمی‌دانستند گفت و شنود در چه باب است. پس از اتمام این مکالمه شیخ از سر قبر بابا رکن‌الدین برخاست، عبا را بر سر کشید و دیگر با احدی گفت‌وگو نکرد و به خانه بازگشت. در خانه نیز درها را به روی خود بست و هیچ‌کس را نیز نپذیرفت و پس از چندی عالم فانی را وداع گفت.

برخی از شاگردان شیخ از جمله فقیه و محدث مشهور ملا محمدتقی مجلسی اول که از خواص شاگردان او بود و در آن روز همراه شیخ بوده است

۱۰- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، به نقل از روزنامه سرنوشت، شماره ۲۸.

این کتیبه به خط ثلث برجسته، به شرح زیر است.
 «الان اولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم
 یحزنون. هذا قبر حجة الاولیاء العارفين و قطب
 الاوتاد الوالیهین بُرهان الاتقیاء و الصالحین
 قدوة العشاق و الذاکرین کَهف الموحّدين و
 المُحقّقین السالک مسالک الائمة المعصومین
 العارف بالحقایق الربّانیة الواقف بالذّقایق
 الملکوتیة الطائر بفضاء اللّاهوتیة مهبط الانوار
 و مخزن الاسرار و نفحة العطار و مقام الشطار
 و محل الاستغفار رُکن الشریعة و الطریقة و
 الحقیقة و العرفان بابا رکن الدین مسعود ابن
 عبدالله البیضاوی و قد تُوفی یوم الاحد مِن
 یوم السادس و العشرین مِن شهر ربیع الاول
 سنة تسع و ستین و سبعائه.»^{۱۳}

کتیبه سردر بقعه بابا رکن الدین به خط ثلث
 سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ و به خط
 محمدصالح اصفهانی مورخ سال ۱۰۳۹ هجری، به
 شرح زیر است.

«بتأیید الله الواحد الباقی قد ارتفع عمارة
 هذه البقعة الملکوتیة فی ایام دولة کلب سدة
 علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه
 عباس الحسینی بهادرخان خلد الله تعالی ملکه
 و سلطانه الی یوم القیام و تمت بحسن اهتمامه
 و الانقیاد لاوامره الامر یومئذ تعالی کلب
 الفقرا محمدصالح الاصفهانی المولوی
 ۱۰۳۹.»^{۱۴}

در زیر کتیبه کاشیکاری سردر و بر جانب غربی
 مدخل بقعه بابا رکن الدین، لوحی از سنگ پارسی
 مربع شکل به طول ۳۵ و عرض ۳۳ سانتی متر نصب
 شده است.

۱۱- دکتر سید محمد باقر کتابی، رجال اصفهان، انتشارات
 گلهها، اصفهان، ۱۳۵۷، ص ۲۷۶ به نقل از مقدمه
 «نصوص الفصوص فی ترجمة الفصوص».

۱۲- دکتر لطف الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ
 دوم، ۱۳۵۰، ص ۲۹۴.

۱۳- همان، ص ۲۹۴. ۱۴- همان، ص ۲۹۵.

تأیید این نظریه به قبور و مزاراتی در اصفهان اشاره
 می کند که از این زهاد باقی مانده اند. از جمله این
 قبور «باباشیر» مقابل مدرسه عربان جنب
 امامزاده احمد، «بابانوش» در محله چملان، «بابا
 علمدار» در محله یادران، «باباحسن» در بیدآباد،
 «باباسرخ» در محله شمس آباد و «بابامحمود» و «بابا
 شیخ علی» در خارج از شهر اصفهان [بلوک لنجان]
 را می توان نام برد.^{۱۱}

بغیر از بابا رکن الدین که با این عنوان در اصفهان
 بقعه و مقبره دارد، ابوالقاسم محمد اصفهانی
 معروف به «باباقاسم» است که مقبره او نزدیک
 مسجد جمعه اصفهان واقع شده و در سال
 ۷۴۱ هجری درگذشته است.

بقعه بابا رکن الدین: مقام عرفانی بابا رکن الدین و
 احترامی که در اصفهان داشت باعث شد تا در
 اواخر سلطنت شاه عباس اول صفوی ساختمان و
 گنبد ممتاز بقعه شروع شود و در سال
 ۱۰۳۹ هجری یعنی یک سال بعد از مرگ شاه عباس
 اول به انجام برسد. این گنبد زیبا از جهت هندسه بنا
 و اشراف بر سایر گنبد های تخت فولاد، امتیاز
 خاصی دارد و هرمی شکل ۱۲ ترک است.

این بقعه که شبیه گنبد باباقاسم می باشد، گفته
 می شود به شکل کلاه درویشان است. نمای
 خارجی بقعه بابا رکن الدین و سردر آن کاشیکاری
 شده است. قاعده گنبد، مخمس متساوی الاضلاعی
 است که پنج ایوان مشابه بر گرداگرد محوطه زیر
 گنبد ساخته شده است. در داخل یکی از این
 ایوانها، آرامگاه بابا رکن الدین واقع شده و بر روی
 آن سنگ مرمری به طول بیش از ۲ متر و عرض
 ۱/۱۶ متر قرار دارد. این ایوان به وسیله نرده مشبک
 چوبی از صحن مرکزی جدا شده و قطعه سنگ
 مرمر نفیسی به طول ۱/۶۳ و عرض ۸۹ سانتی متر
 به طور عمودی بر آن نصب شده است. کتیبه این
 سنگ از حیث زیبایی خط و حجاری، در عداد
 شاهکارهای موجود در اصفهان می باشد.^{۱۲} مفاد

«مضمون این کتیبه بیانگر این نکته است که «میرزا محمدنصیر بایزیدی بسطامی» که از افراد خیر و نیکوکار بوده به تعمیر و مرمت بقعه و خانقاه بابا رکن‌الدین پرداخته است. تاریخ این کتیبه ۱۲۰۰ ه.ق و خط آن نستعلیق برجسته است: مفاد این کتیبه به شرح زیر است:

چون از تصاریف دوران شرفات مقصوره بابا رکن‌الدین را انهدام ساری و تقالیب ایام و حدثان زمان عرفات معموره حصن حصین او را انهدام طاری گردیده بود از آنجا که مشیت و اراده جناب رب‌الارباب بر ابقاء و عدم انهدام آن بقعه شریفه بود درین اوان فیروزی نشان سعادت توأمان توفیق حضرت باری و تأیید جناب اقدس الهی شامل حال عالیجاه و رفیعجایگاه قدوة السالکین میرزامحمد نصیر بایزیدی البسطامی گردیده و در صدد تعمیر و آبادی بقعه رفیعه و خانقه منیعه برآمده معمور گردید در اواسط شهر ذی‌الحجة الحرام سنه ۱۲۰۰ ه.ق^{۱۵}

در مجاورت مقبره بابا رکن‌الدین چند اتاق کوچک مربوط به یکدیگر وجود داشته که یکی از آنها به «چله‌خانه» معروف بوده است. بنا به نوشته



روزنامه «سرنوشت» سابقاً مرتاضان و دراویش در این قسمت چله‌نشینی می‌کرده‌اند. بعضی از این اتاقها دارای گچبریهای ممتاز بوده که اشعاری نیز بر آنها منقوش بوده است. متأسفانه در حال حاضر اثری از آن اشعار و گچبرها بر جای نمانده است.

در شرق ایوان ورودی بقعه بابا رکن‌الدین، اتاق کوچکی است. که مرحوم جواد مجدزاده صهبا در آن مدفون است. وی که فرزند مرحوم مجدالاسلام کرمانی بود از دوستداران واقعی بناهای تاریخی و آثار باستانی اصفهان به‌شمار می‌رفت و در مدت ریاست او بر اداره باستان‌شناسی اصفهان، بسیاری از بناهای شهر اصفهان به همت و پایمردی او مرمت شدند و از زوال نجات یافتند. مرحوم صهبا در سال ۱۳۲۴ در ۳۸ سالگی در اصفهان درگذشت. آن مرحوم روزنامه سرنوشت را در اصفهان منتشر می‌کرد. سنگ مرمر آرامگاه مرحوم صهبا را به خط نستعلیق برجسته، مرحوم جعفر آل‌ابراهیم کتابت کرده است و اشعار این سنگ زیبا را مجتبی کیوان، شاعر اصفهانی سروده است. در اطراف اتاق آرامگاه نیز اشعاری درباره صهبا در الواح جداگانه نوشته شده است.

به‌طور کلی بقعه بابا رکن‌الدین با گنبد زیبای آن، علاوه بر آنکه آرامگاه ابدی یکی از عرفا و زهاد و دانشمندان بزرگ قرن هشتم هجری است بیانگر هنر هنرمندان و استادکاران و معماران و کاشیکاران برجسته عصر صفویه در اصفهان می‌باشد.

همچنین بجاست از آرامگاه مورخ و فاضل متبع، میرزا حسن خان جابری انصاری، یاد کنیم که استاد جمشید مظاهری مصحح کتاب گرانقدر تاریخ اصفهان به کیفیت محل مزار وی در داخل بقعه بابارکن‌الدین اشاره کرده است.^{۱۶}



۱۵- همان، صص ۴۹۹-۵۰۰.

۱۶- میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان، به اهتمام جمشید مظاهری، انتشارات مشعل، اصفهان، ۱۳۷۸.